



۱- آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر نظام جمهوری اسلامی ایران، از یک‌سوی به‌عنوان رهبری دینی و از سوی دیگر به‌عنوان یکی از منتقدان سرسخت نظام‌های سیاسی غرب، شناخته می‌شوند. ایشان روز اول شعبان ۱۴۳۵ هجری قمری در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، تنها راه حل منازعات ۷۰ ساله رژیم غاصب صهیونیستی و فلسطینیان را برگزاری فرزاندمی سراسری در این منطقه اعلام کردند. نکته مهم‌تر این است که ایشان برگزاری این فرزاندم را- که لزوماً دینی نیست و می‌تواند سکولار باشد- به معنای نابودی حتمی رژیم صهیونیستی می‌دانند. این پیشنهاد از سوی یک رهبر دینی، سبب تحیر بسیاری از تحلیلگران سیاسی شد. یکی از راه‌هایی که می‌توان درستی این تحلیل را آزمود، آگاهی از اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر سرزمین‌های اشغالی و شهروندان اسرائیلی است. در این یادداشت با استناد به مصاحبه «شلومو سند» نشان خواهیم داد این رژیم حتی با در دست داشتن محدوده سرزمینی بیشتر نسبت به گروه‌های فلسطینی، به میانه‌روترین و سکولارترین راه‌حل‌های سیاسی برای پایان دادن به جنگ نیز تن نمی‌دهد. سند، تحصیلکرده رشته تاریخ در دانشگاه تل‌آویو و استاد این دانشگاه است. تحلیل او- که در کتاب‌های اختراع مردم یهودی و اختراع سرزمین اسرائیل نیز تشریح شده- نشان می‌دهد

زهراسعیدی: بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، موضوع فروش نفت نقش کشورهای خارجی بر آن توسط کنسرسیوم نفتی مشخص شد. این قرارداد که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، از قراردادهای نفتی پیش از آن یعنی دوران قبل از ملی شدن نفت نیز بسیار بدتر بود، ناشی از انتظارات متقابل شاه و کشورهای استعمارگر غربی بود. به عبارتی شاه با اعمال این قرارداد درصد بود اهداف سیاسی- اقتصادی خاص خود را تحقق بخشد. همین موضوع عامل مهمی در شکل‌گیری روابط خاص نفتی میان شاه و کنسرسیوم بود. بر اساس این مقدمه به برخی از انتظارات مهم شاه از کنسرسیوم و اهداف او از تعقیب آن سیاست‌ها پرداخته می‌شود.

■ **قرارداد کنسرسیوم چه قراردادی بود؟**

قرارداد کنسرسیوم، قراردادی استعماری بود که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ میان رژیم شاه و چند کشور خارجی منعقد شد. «فضل‌الله زاهدی» نماینده اصلی ایران در عقد این قرارداد، در تاریخ ۱۳ مهر ۳۲ «کمیسونی مشورتی در سطح وزرا تشکیل داد تا به مساله نفت و پیشنهادات وارده برسند و از این کمیسین خواست از متخصصان خارجی استفاده کنند.» از این رو طرف اصلی قرارداد نه یک یا ۲ کشور، بلکه چند کشور خارجی بودند.

طبق این قرارداد که ۲۹ مهر سال ۳۳ به تصویب رسید، شرکت‌های آمریکایی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی صاحب امتیازاتی شدند. سهم شرکت نفت ایران و انگلیس از نفت ۴۰ درصد تعیین شد. شرکت‌های آمریکایی هم که خود شامل ۵ شرکت بزرگ نیوجرسی، استاندارد کالیفرنیا، گلف، سوکونی موبیل و شرکت نفتی تگزاس و ۹ شرکت علی‌الظاهر مستقل بودند، ۴۰ درصد از سهم نفت را به دست آوردند و در کنار آن سهم شرکت شل هلند ۱۴ درصد و شرکت نفت فرانسه ۶ درصد تعیین شد. علاوه بر این کشورهای مذکور توانستند امتیازات دیگری همچون عملیات کشف و استخراج را نیز کسب کنند که بسیاری از آن امتیازات با روح قانون ملی شدن نفت در تضاد بود. «کنسرسیوم علاوه بر اکتشاف و پالایش و هدایت و مدیریت تولید از همه اختیارات لازم برخوردار بود که در حوزه عملیات یا حتی در خارج از حوزه عملیاتی خود، از اراضی و منابع زیرزمینی

درباره مسیر رو به زوال رژیم صهیونیستی

چرا اسرائیل چیزی جز زور نمی‌فهمد؟!

- محمدرضا قاتمی نیک

فلسطینی را که حاصل توافق گروه‌های مختلف فلسطینی از جمله حماس و فتح است می‌پذیرد. در این طرح، دولت اسرائیل به مرکزیت بیت‌المقدس تشکیل خواهد شد. همان‌طور که می‌دانیم با توجه به تسلط دولت اسرائیل بر بیت‌المقدس و برخی مزایای دیگر، این توافق کاملاً به سود دولت اسرائیل است. عدم پذیرش این قرارداد از سوی گروه‌های مقاومت روشن است.

این توافق به ضرر تمام فلسطینیان و به‌معنای غصب بخش اعظم سرزمین آبا و اجدادی آنها و به رسمیت‌شناختن اشغالگری است. مردم و گروه‌های مقاومت فلسطینی به‌غم تحمل بسیاری از خسارات جانی و مالی ناشی از حملات رژیم صهیونیستی به نوار غزه حاضر به پذیرش این توافق نبوده‌اند.

اما فارغ از مخالفت گروه‌های فلسطینی نظیر حماس با این طرح، خود رژیم اسرائیل است که بارها این توافق را نقض کرده. نخستین بار ژوئن ۱۹۶۷ و اشغال نوار غزه، کرانه باختری و بلندی‌های جولان این قرارداد نقض شد و پس از آن نیز دولت اسرائیل به‌نخست‌وزیری «شمیون پرز» و «بنیامین نتانیاهو» بارها از این حدود تجاوز کرده است. افزون بر این نتانیاهو حتی طرح ۲ دولت «محمود عباس» را که مبتنی بر توافق گروه‌های فلسطینی است نپذیرفته و بهترین نمونه آن حملات این رژیم به نوار غزه در سال‌های ۲۰۰۸ (جنگ ۲۲ روزه) و ۲۰۱۴ (جنگ ۵۰ روزه) است. در آخرین حمله رژیم اشغالگر قدس به نوار غزه در ۲۰۱۴ طی ۳۰ روز نخست، دست‌کم ۱۹۰۰ فلسطینی شامل ۴۳۰ کودک، ۲۴۰ زن و ۱۰۰ سالخورده شهید و ۹۸۰۰ نفر مجروح شده‌اند و خسارات مالی گسترده‌ای به این منطقه وارد شده است.

البته از آن‌سو امنیت شهرها و شهرک‌های اسرائیلی نیز در پی دفاع نیروهای مقاومت و شلیک موشک‌های حماس تهدید شده است و دست‌کم ۶۴ نظامی و ۳ غیرنظامی کشته و حدود هزار نفر مجروح شده‌اند. مجموعه این شواهد نشان می‌دهد غیرنظامیان اسرائیل نیز حداقل به دلیل تهدید امنیت‌شان نباید با ادامه جنگ موافق باشند. بنابراین دوباره این پرسش مطرح می‌شود: چرا رژیم صهیونیستی حاضر به پذیرش توافق صلح و بازگشت به مرزهای ۱۹۶۷ نیست. آشکار و روشن

است که حمله ۵۰ روزه از سوی رژیم صهیونیستی آغاز شد. بهانه کشته شدن ۳ تبعه این رژیم توسط گروه‌های مقاومت فلسطینی- که به هیچ‌وجه اثبات نشد- نیز مجوز چنین حمله‌ای را صادر نمی‌کند. افزون بر اینکه لشکر کشتی زمینی و دریایی رژیم اسرائیل به نوار غزه نشان می‌دهد صرفاً قصد تنبیه یا انتقام از گروه‌های مقاومت فلسطینی در میان نبوده است. با فرض حفظ منافع، حتی شهروندان اسرائیلی نمی‌توانند بپذیرند به دلیل کشته شدن ۳ تبعه این رژیم به‌نحوی مهم، امنیت بخش زیادی از محل سکونت اسرائیلی‌ها دچار خدشه شود.

۳- اشلومو سند، به‌عنوان یک تحلیلگر برجسته سکولار، دموکرات و میانه‌رو و نیز به‌عنوان یک شهروند اسرائیلی بخوبی تشریح می‌کند ساکنان عادی همه سرزمین‌های اشغالی و غیراشغالی، اعم از یهودی، مسلمان و مسیحی، توانایی همزیستی با یکدیگر را دارند. به‌زعم او، جوانان عرب بخوبی به زبان عبری صحبت می‌کنند، همان‌طور که یهودیان مهاجر به این منطقه تا حد زیادی با فرهنگ عربی انس گرفته‌اند. با این حال اشلومو سند که کتابش برای ۱۹ هفته پرفروش‌ترین کتاب بوده، قائل به این است که این رژیم چرا حاضر به برگزاری فرزاندم و تن دادن به سکولارترین شکل دموکراسی هم نیست. در واقع هر رژیمی که از صندوق‌های رأی ساکنان تولد،رژیم صهیونیستی را فراموش کرده‌اند. او چندی پیش در یک دانشگاه فلسطینی در اورشلیم مسأله منشأ شکل‌گیری رژیم صهیونیستی را مطرح کرده است و دانشجویان پاسخ داده‌اند «حتی یک بچه نژاده حق زندگی دارد؛ به‌شرط آنکه رفتار پدرش را تکرار نکند.» موضع سند تقریباً سکولارترین و ملایم‌ترین مواضع نسبت به رژیم صهیونیستی است که منافع این رژیم را به شکل حداکثری تأمین می‌کند. روشن است در این موضع «فرضی»، فلسطینیان ملتی خواهند بود که از خود گذشتگی بی‌سابقه‌ای را در تاریخ بشری نشان خواهند داد و حاضر خواهند شد با افرادی که وابستگان خوبی و دینی آنها را کشته و ۷۰ سال سرزمین آنها را اشغال کرده‌اند همزیستی داشته‌باشند.

۴- اشلومو سند به افرادی اشاره می‌کند که موضع مخالف او دارند. برخی روشنفکران عمدتاً چپ یا خاخام‌های بزرگ و تأثیرگذار یهودی، نظیر «اموس استون» و «آبراهام بی‌هیوشاو»، «گیلبر برنهایم»، «آندره گولکرم‌ان» و «رنارد هری لوی»که بیشتر در فرانسه یا دیگر کشورهای اروپایی ساکنند و نظیر «هنسری لوی» از جمله افراد تأثیرگذار بر لابی اسرائیلی هستند، به‌نحوی با شکل‌گیری دولت اسرائیلی و بازگشت به مرزهای ۱۹۶۷ مخالفند. با توجه به این صفا‌رآیی می‌توان دریافت جنگ‌افروزی‌های وحشیانه رژیم صهیونیستی به چه دلیل انجام می‌شود. درحالی‌که ساکنان منطقه، از هر دلیلی، مخالف جنگ‌افروزی اسرائیل هستند، برخی گروه‌های ذی‌نفع دیگر که اغلب در خارج از این سرزمین‌ها زندگی می‌کنند، اسرائیل را ترغیب به آتش‌افروزی می‌کنند.

منبع:ترجمان

به دنبال تأمین منافع خود بودند. در همین رابطه وزیر سوخت انگلیس بعد از کودتا گفته بود نفت ایران بزودی به دست ما می‌رسد و خیلی از آن استفاده می‌کنیم و کمبود سوختی را که بیش از ۳ سال داشتیم، جبران می‌کنیم. با این حال قیمت نفت طی دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی با افزایش بی‌سابقه مواجه شد که البته این موضوع ناشی از تحولات سیاسی بین‌المللی و افزایش جهانی قیمت نفت و تصمیمات اوپک بود. هر چند مواضع شاه در اوپک نیز همواره در موضع میانه و روابط صمیمانه با کشورهای غربی بود. بر این اساس سهم درآمدهای نفتی در کل عواید حکومت از ۱۱ درصد در سال ۳۳ به ۴۵ درصد در سال ۴۲، ۵۶ درصد در سال ۵۰ و سرانجام ۷۷ درصد در سال ۵۶ رسید. در سال‌های ۵۲-۱۳۳۲ درآمدهای نفتی بین ۶۰ تا ۹۰ درصد درآمدهای ارزی را تشکیل می‌داد. هر چند این درآمدها نیز در نهایت به‌رغم ایجاد رونق موقت اقتصادی، به کشورهای غربی سرازیر می‌شد.

■ **سخن نهایی**

نفت به عنوان کالایی اقتصادی، منبع درآمد بسیاری از کشورهای تولیدکننده بوده است. با این حال این کالای ارزشمند در دوران محمدرضاشاه، ابزاری سیاسی در راستای تحقق اهداف شاه و کشورهای خارجی بود. شاه به نفت به عنوان عاملی مهم برای افزایش قدرت سیاسی خود می‌نگریست. کنسرسیوم نیز نفت را ابزاری برای تأمین نیازهای اقتصادی خود و نیز وابسته قرار دادن ایران می‌دانست، با آنکه کشورهای غربی نیازمند نفت ایران بودند اما عامل نهایی در تعیین قیمت نفت و میزان خرید و فروش آن، کنسرسیوم و کشورهای خارجی بودند. این موضوع همواره مورد انتقاد شاه قرار داشت. شاه با انتظار مشارکت در سیاست‌ها و تصمیمات کنسرسیوم به دنبال ایجاد راه‌هایی برای فروش بیشتر نفت به قیمت بالاتر با حفظ روابط دوستانه و وابستگی به کشورهای غربی بود. همین نگرش باعث شد به‌رغم افزایش قیمت نفت در دهه ۴۰ و ۵۰، وابستگی شاه به غرب حفظ شود و همواره در اتخاذ تصمیمات سیاسی و اقتصادی خود به غرب تکیه کند؛ موضعی که به عامل مهم نارضایتی مردم و سرنگونی رژیم شاه منجر شد.

منبع:موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

روزنه

نفس معصومین در قانونگذاری حق

در برخی از آیات قرآن شریف، ۲ مرجع برای صدور حکم معین شده‌اند؛ خدا و پیامبر(ص). قرآن فرموده است: «و ما کان لمومن و لا مومنه اذآ قضا الله و رسوله امرا ان یکون لهم الخیره من امرهم؛ آنگاه که خدا و رسولش حکمی کنند، هیچ مرد و زن مومن حق چون و چسرا در آن ندارد.» (احزاب/ ۳۶)

البته روشن است که این حکم شامل همه‌گونه فرمان از سوی خدا و پیامبر می‌شود و اختصاص به احکام قضایی ندارد و همچنین افراد غیرمومن را نیز به طریق اولی در بر می‌گیرد اما در آیه دیگری می‌فرماید: «ان الحکم الا لله؛ حکم تنها از آن خداست.» (یوسف/ ۴۰) از این آیه برمی‌آید هیچ کس جز خدا نمی‌تواند حکمی صادر کند. اکنون پرسیده می‌شود: چگونه باید اختلاف ظاهری میان این دو رایه را توجیه کرد؟ در پاسخ، باید از خود قرآن کمک خواست و نخست به این آیه متوسل شد: «ها کان لبشر ان یوتیه الله الکتاب و الحکم و النبوه ثم یقول للناس کونوا عبادا لی من دون الله و لکن کونوا ربانیین بما کنتم تعلمون الکتاب و بما کنتم تدرسون؛ هیچ یک از کسانی که به رسالت برگزیده شده‌اند و کتاب و حکمت و پیامبری بدانان بخشیده شده، حق ندارد از مردم بخواهد وی را به جای خدا عبادت کنند، بلکه کتاب را فرمان می‌دهد که بر اثر تعلیم معارف الهی و آموختن مضامین آن، عالمان ربانی جامعه و خادپرست باشید.» (آل‌عمران/ ۷۹)

اصولاً خداوند هرگز به کسانی که می‌داند به وظیفه خود عمل نخواهند کرد، مقام رسمی نمی‌دهد و اگر گاهی کمالی به کسی می‌بخشد، از باب آزمون است. اعلای مقام نبوت و امامت و مانند آنها به انسان، تنها خاص کسانی است که به وظیفه خویش عمل کنند: «الله اعلم حیث یجعل رسالته؛ خدا بهتر می‌داند رسالت خویش را کجا قرار دهد.» (انعام/ ۱۱۴)

پس هیچ پیامبری مردم را جز به سوی خدا فرمانی‌خواند و هرگز اجازه نمی‌دهد غیر از سخن خدا پذیرفته شود، بلکه از مردم می‌خواهد «ربانی» آداری ارتباط محکم و ناگسستی با پروردگار آ شوند.

در پرتو این آیه روشن می‌شود هیچ اختلافی میان آیه پیشین وجود ندارد. در یکی می‌فرماید سرچشمه احکام، تنها خداست و در دیگری می‌فرماید پیامبر همان اراده خداوند را به مردم ابلاغ می‌کند. عترت پیامبر(ع) نیز جز این کار نمی‌کنند. در همین جا اشاره می‌کنیم که در قرآن حکیم، به ۳ گونه اطاعت امر شده است. گاهی از مومنان خواسته شده از خدا و رسول(ص) و امامان معصوم(ع) (اولی‌الامرأ پیروی کنند اما بعد در همان آیه خواسته می‌شود امور اختلاف‌برانگیز را به خدا و پیامبر بازگردانند. این، ویژه مواردی است که اختلاف دربره امامت باشد، زیرا در ایسن حال دیگر نمی‌توان به همان چیزی که مورد اختلاف است، مراجعه کرد. نیز در پایان خدا و خدا، دیگر سببی از خدا و معاد است؛ و بس! این، خاص جایی است که اختلاف در رسالت باشد.

حاصل سخن اینکه جز خداوند هیچ کس حق قانونگذاری ندارد و پیامبران و امامان کاری نمی‌کنند جز ابلاغ احکام الهی من الامر شیء؛ در هیچ یک از این موارد، تو دارای اختیار نیستی.» (آل‌عمران/ ۱۲۸) این همان توحید ناب و اصیل است. با فهم این حقیقت، روشن می‌شود چرا قرآن شریف فرموده است: «غناهم‌الله و رسوله؛ خدا و پیامبرش مردم را بی‌نیاز کردند.» (توبه/ ۷۴) و چرا آن عالم بزورگار شیعه پس از برخاستن از سفره غذا می‌فرمود: «الحمدلله و لرسول‌الله».

منسب: آیت‌الله العظمی عبدالله جوادی آملی / فلسفه حقوق بشر

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲